

رویا، فانتزی و هنر

هانا سیگل

ترجمه‌ی فائزه جعفریان



سرشناسه: سیگل، هانا - Segal, Hanna

عنوان و نام پدیدآور: رویا، فانتزی و هنر / هانا سیگل؛ ترجمه‌ی فاتره جعفریان.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات فؤند، ۱۴۰۰. ● مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۵۹-۳۷-۵ ● وضعیت فهرستنویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Dream, Phantasy, and Art, c1991.

موضوع: رویا ● موضوع: Dreams ● موضوع: خیال‌پردازی

موضوع: Fantasy ● موضوع: روان‌کاوی و هنر ● موضوع: Psychoanalysis and Art

شناسه افزوده: جعفریان، فاتره، ۱۳۶۲ - مترجم

رده‌بندی کنگره: BF1۰۷۸ ● رده‌بندی دیویی: ۱۵۴/۶۳ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۷۷۳۲۶۴۱

Dream, Phantasy and Art

Hanna Segal

Faezeh J. Faryan



آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه‌ی روشن، پلاک ۴۰، طبقه‌ی ۲، واحد ۵

کد پستی: ۱۴۱۵۸۵۳۴۴۶ | تلفن: ۵۵۶۷۶۳۱۳ - ۰۲۱

www.shavandpub.ir | shavandpublication

ناشر: فؤند

رویا، فانتزی و هنر هانا سیگل فاتره جعفریان

چاپ دوم: زمستان ۱۴۰۳، تهران تیراژ: ۳۰۰ نسخه قیمت: ۲۳۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: طهرانی

طرح روی جلد از فاتره جعفریان

ISBN: 978-622-6359-37-5

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۵۹-۳۷-۵

Printed in Iran

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

پیش‌گفتار	۷
مقدمه	۱۳
۱. شاهراه	۱۵
۲. فانتزی	۳۵
۳. نمادگرایی	۵۹
۴. فضای ذهنی و عناصر نمادگرایی	۸۵
۵. رویا و آگو	۱۰۷
۶. فروید و هنر	۱۲۳
۷. هنر و موضع افسرده‌وار	۱۳۹
۸. تخیل، بازی و هنر	۱۶۳
کتاب‌شناسی	۱۷۷
نمایه‌ی نام‌ها	۱۸۵

پیش گفتار

هر نوشته‌ای به ناسازگاری تا حدی شخصیت نویسنده‌اش را آشکار می‌کند و این کتاب هم از این قاعده مستثنی نیست. متن حاضر وسعت علائق هانا سیگل و توانایی او در دنبال کردن و بررسی ماهیت آن با را منعکس می‌کند، و البته بر چارچوب نظری سفت و سختی استوار است، نه از خود آن را بسط داده و به کار گرفته است. در همه‌ی آثار و همین‌طور در زندگی او، این یونان درونی این عناصر، توانایی او در گستراندن مرزها و بهره بردن از آن را شاهد بود.

او در سال ۱۹۱۸ در لهستان زاده شد. مادرش زن، شخصیت و با بنیه و زیبارو بود و پدرش مردی بود با علائق گسترده؛ وقتی به سن بیست سالگی رسید، در حالی که در پاریس حقوق می‌خواند، تاریخ پیکرتراشی فرانسوی در قرن نوزدهم را نگاشت که هنوز هم در لهستان اثری کلاسیک محسوب می‌شود. او در وین و برلین مدافع بود، اما در اوایل سی سالگی به ژنو مهاجرت کرد تا ویراستار روزنامه‌ای بین‌المللی شود. هانا سیگل دوازده ساله بود که خانواده‌اش لهستان را ترک کردند، اما او همواره، به ریشه‌هایش در آن کشور عمیقاً وابسته ماند و در شانزده سالگی والدین‌اش را متقاعد کرد که اجازه دهند به لهستان بازگردند. در آن‌جا مدرسه را به پایان رساند و پزشکی خواند. در بحبوحه‌ی جنگ به پاریس، محل اقامت والدین‌اش رفت، و هنگامی که نازی‌ها پاریس را اشغال کردند، با دنبال کردن مسیر معمول جنگ، به لندن رسید، به ادینبورگ رفت و تحصیلات‌اش را از سر گرفت.

او فروید را مفصلاً مطالعه کرده بود و طی اقامت‌اش در ادینبورگ، آثار آنا فروید و

ملانی کلاین را کشف کرد و تصمیم گرفت نزد کلاین کارآموزی کند. بخت یارش بود که در ادینبورگ با دکتر دیوید متیوس ملاقات کرد که خود توسط کلاین واکاوی شده بود و به پیشنهاد او در مدتی که در انتظار بازگشت به لندن بود در جلسات روان‌کاوی شرکت کرد. او به لندن آمد، برای کارآموزی در انجمن روان‌کاوی انگلیس و واکاوی شدن توسط ملانی کلاین پذیرفته شد و در ۱۹۴۵ درس خود را تمام کرد. کمی پس از آن بود که برای اولین بار با هم ملاقات کردیم و دوستی مان بیش از چهل سال به درازا کشید. سیگل تا پیش از سی و دو سالگی یک روان‌کاو آموزش شده بود.

در این کتاب عوامل گوناگونی نمایان می‌شوند و بازتاب می‌یابند که عبارت‌اند از رویکرد منطقی و بدی، یک دانشمند، عشق به زیبایی و میل به کشف آن، جستجوی حقیقت در درون و همین‌طور در بیرون، و گستره‌ی ذهن پژوهشگری که جهان‌اش بی‌شک بیکران است. اهمیت این موضوع در آن است که هدف این کتاب فقط به کار بستن روان‌کاوی در حوزه‌ها، دیگر - مثلاً هنر و بازی - نیست، بلکه علائق گوناگون از یکدیگر سرچشمه می‌دهند و همدیگر را تقویت می‌کنند. تصور می‌کنم این جنبه را رابرت لانگز در مقدمه‌ای که در کتاب مجموعه مقالات سیگل نوشته به‌خوبی توصیف کرده است، کتابی با عنوان «آنا سیگل؛ رویکردی کلینی به فعالیت بالینی: توهّم و خلاقیت هنری و دیگر مقالات روان‌کاوانه که در ۱۹۸۱ منتشر شد. او برخی از مقالات این کتاب را بیش از آن‌که «مقاله‌ای در روان‌کاوی کاربردی [بداند]، شرح تمام و کمالی از چشم‌انداز نظری و بالینی او» در نظر می‌گیرد. شاید غنای علائق و عمق اندیشه در بطن این چشم‌انداز نظری و بالینی است که به این کتاب منطقی بنیادی و همین‌طور حسی از تازگی و خلاقیت می‌بخشد. البته عبور از مرزها به این طریق، مخاطراتی دارد، این کار نویسنده را در معرض نقد نویسندگانی از حوزه‌های دیگر قرار می‌دهد، اما هانا سیگل مشتاق است که به این خطر تن بدهد.

منطق این کتاب بسیار روشن است؛ در آغاز، هانا سیگل خواننده را با نظریه‌ی رویای فروید آشنا می‌کند و مثال‌های بالینی خود را ذکر می‌کند. ضمن این کار ناچار می‌شود درنگی کند و درباره‌ی یکی از اصلی‌ترین وجوه رویا و رویایی صحبت کند، یعنی فانتزی ناخودآگاه، که در نگرش کلاین مبنای همه‌ی فعالیت‌های ذهنی و عاطفی است. در این جا او آزادانه میان ایده‌های فروید و ملانی کلاین حرکت می‌کند، و فانتزی را نه تنها به رویاها بلکه به تفکر فروید درباره‌ی حرکت از اصل لذت به اصل واقعیت مرتبط می‌کند و این دومی را به ایده‌های کلاین درباره‌ی حرکت از موضع اسکیزوئید-پارانوئید به موضع افسرده‌وار پیوند می‌زند.

از این رو، در نظر سیگل، بحث فانتزی در درک ما از رویاها اساسی و ضروری است، اما اگر درباره‌ی نمادگرایی نیز اندیشیم، یعنی حوزه‌ای که او از سال ۱۹۵۷ در آن سهمی مهم و به‌ویژه بدیع داشته، این بحث هم ناتمام خواهد بود. او در فصل مربوط به نمادگرایی خواننده را با ایده‌هایی که مرید مطرح می‌کند، و توسط جونز بسط می‌یابد و همین‌طور ایده‌های کلاین و تکمل خودش بر اندیشه‌ی کلاین که آن را شرح و بسط داده، آشنا می‌سازد. او میان آن‌چه یک بازنداری نمادین و نمادگرایی حقیقی می‌نامد تفاوت قائل می‌شود و نشان می‌دهد که این مبتنی است بر عملکرد موضع اسکیزوئید-پارانوئید و خصوصاً استفاده‌ی قدرتمندانه از همانندسازی فرافکنانه. او تمایز میان یکسان‌پنداری نمادین و شکل‌گیری واقعی نماد را روشن می‌کند و نشان می‌دهد که دومی تنها در موضع افسرده‌وار می‌تواند رخ دهد. در فصل مربوط به «فضای ذهنی و عناصر نمادگرایی» سیگل آن را در برخی جزئیات با نظریه‌ی تفکر بیون مرتبط می‌کند. بحث و استدلال در این بخش، بسیار تازه و جدید و در عین حال دشوارتر است، اما وضوح داده‌های مربوط به شرح حال هر مراجعه‌کننده در فهم معنا به خواننده کمک می‌کند. در این فصل از مشکلات آگویی که نمی‌تواند در معنای معمول کلمه رویا ببیند درک عمیق‌تری به دست می‌آوریم. فصل مربوط به «رویا و آگو» به جنبه‌های بیمارگونه‌ی رویایی اختصاص یافته، که در آن‌ها جنبه‌های عینی و ملموس غلبه می‌یابند. او رویاهایی را توصیف می‌کند

که گویا هدف اصلی‌شان در واکاوی نه برقراری ارتباط، بلکه درون‌کنش‌نمایی یا برون‌ریزی است؛ رویاهایی که او پیشگویانه می‌خواند و در آن‌ها مهم‌ترین عاملی که باید تحلیل شود، نه محتوای رویا بلکه روش بازگو کردن آن‌ها یا رفتار مرتبط با آن‌ها است. این‌جا است که فصول پیشین درباره فانتزی و تفکر نمادین به وضوح در موضوع رویا به یکدیگر نزدیک می‌شوند؛ سازوکار نسبتاً یا کاملاً شکست‌خورده‌ی رویا را می‌توان به شکل‌گیری ضعیف نماد و تفکر عینی و ملموس مرتبط کرد.

در سال ۱۹۴۷ هانا سیگل اولین مقاله‌اش را در انجمن روان-کاوی انگلیس ارائه کرد. مقاله‌ای با عنوان «رویکردی روان-کاوانه به زیبایی‌شناسی» که در سال ۱۹۵۲ منتشر شد. این مقاله نه تنها بر روان‌کاوها، بلکه بر افرادی که روان‌کاوی را نمی‌شناسند، یا دشمنی کمی در آن دارند اما درگیر کار خلاقانه‌اند نیز تأثیر بسیار مهمی بر جای گذاشت و فهم آن‌ها را به وضوح تغییر داد. در کتاب حاضر، او به این علاقه که همواره بار بار به‌رود و درباره‌اش مقالات متعددی در این سال‌ها نگاشته باز می‌گردد. او به فروید و تلاش‌اش برای فهم هنر و هنرمند و همین‌طور نقدهایی که به رویکردش وارد شده برمی‌گردد و مسئله‌ی ارتباط میان هنر، رویا و خیالبافی را مطرح می‌کند، که حالا در کارش دیربازی مادگرایی می‌تواند بیشتر به شرح و توضیح آن بپردازد. او به نحوی بدیع و قانع‌کننده، ارتباط میان هنر واقعی و توانایی هنرمند برای مواجهه و پرداختن به درد، زشتی و عرف را به بحث می‌گذارد - یعنی هنر و موضع افسرده‌وار و بحث را دوباره به احساس واقعیت مرتبط می‌کند؛ ارتباطی که معتقد است بر خلاف کار فرد خیالباف و هنرمند «ناکام»، باید در هنرمند به‌شدت پرورش یابد. و از این‌جا او به لحاظ منطقی دوباره به شباهت‌ها، تفاوت‌ها و ارتباطات درونی میان خیالبافی، بازی، هنر و تفکر خلاقانه توجه می‌کند.

قصدم این بود که شمه‌ای از حرکت و منطق درونی این کتاب را که در تجربیات بالینی ریشه دارد ترسیم کنم، تجربیاتی که مبنا و شالوده‌ی مباحث نظری او هستند و آن را روشن می‌کنند. بنابراین، این کتاب نه صرفاً نظری است و نه صرفاً بالینی یا کاربردی. این جنبه‌های مختلف ذاتاً به هم پیوند خورده‌اند، و همین است که در

حقیقت هانا سیگل را نه فقط به اندیشمند و نویسنده‌ای بسیار قابل توجه، بلکه به معلمی پرطرفدار بدل می‌سازد. نوشته‌ها و سخنرانی‌های او در غنای روان‌کاوی و تکمیل سهم ملانی کلاین در آن نقش بسیار مهمی داشته و آن را در دسترس گروه بیشتری از مخاطبان قرار داده، که این نه فقط به دلیل شفافیت و هوش برانگیزاننده‌ی او، بلکه به دلیل عمق و وسعت علائق‌اش ممکن شد.

بتی جوزف

۱۹۹۰

مقدمه

زمانی که در نوجوانی برای نخستین بار آثار فروید را مطالعه کردم کشف این مسئله برایم جالب بود که روان‌کاوی، همه‌ی حوزه‌های تلاش انسانی توجه می‌کند و می‌تواند پرتوی یکسان بر اسب‌های انسانی و کامیابی بیافکند؛ و نیز این نکته که عمل روان‌کاوی می‌تواند اشتیاق به درمان در فعالیت روان‌کاوانه و همین‌طور علاقه به علوم انسانی را به یک اندازه ارضا سازد.

در آغاز فعالیت‌ام از این نظر خوش‌شانس بودم که میان بیمارانی‌ام هم هنرمند داشتم و هم روان‌پزش. هر دو گروه این بیمارانی‌تره ما را به اهمیت فراوان نمادپردازی و فراز و نشیب‌های آن جلب می‌کنند. بارها احساس کرده‌ام که روان‌کاوی ابزار بی‌نظیری برای بررسی این پدیده است.

از آن زمان مقالات متعددی در زمینه‌ی فانتزی، رویا، نمادپردازی و هنر نوشته‌ام. علاوه بر این درباره‌ی این موضوعات در مکان‌های مختلف و برای مخاطبان مختلف در سطوح گوناگون سخنرانی کرده‌ام. ویراستاران این مجموعه معتقد بودند که بهتر است این دسته از تفکرات‌ام را جمع‌آوری کنم. از آن‌ها به دلیل ترغیب من به انجام این کار در این کتاب سپاسگزارم. طریقه‌ی نگاشتن این کتاب نحوی ارجاع به مؤلفان دیگر را برایم مشخص کرد. می‌کوشم تحول افکارم را بدون آن‌که از نگرش‌های دیگر صحبت کنم یا وارد بحث و مجادله شوم نشان دهم. تنها آثاری را در این کتاب گنجانده‌ام که می‌توانستند درگیری‌های ذهنی آن زمان مرا روشن سازند. از این رو، برای نمونه، در فصل هنر، مفصلاً از رودن و هنرمندان دیگر نقل‌قول آورده‌ام. اما

در میان منتقدان هنری و نویسندگان زیبایی‌شناسی تنها به بل و فرای ارجاع داده‌ام، زیرا نگرش آن‌ها را در باب زیبایی‌شناسی روشنگر یافتم و برخی از نقدهای‌شان را بر نویسندگان روان‌کاوی مرتبط دیدم. در میان نویسندگان روان‌کاوی بیش از همه مسلماً از فروید و کلاین الهام گرفته‌ام. بعدها، بیون به درک من از نمادگرایی و فرآیندهای تفکر بسیار اضافه کرد. از این‌ها گذشته، تنها به محدود نویسندگانی ارجاع داده‌ام که در مواقع مختلف بر من تأثیرگذار بوده‌اند. مشکلی تکنیکی هم ذهن مرا مشغول کرده بود: چگونه بنویسم که هم برای روان‌کاوان به اندازه‌ی کافی جذاب باشد و هم در عین حال برای خوانندگان معمولی قابل فهم باشد. فصول ۱ تا ۵ با ایده‌های اصلی فروید و کلاین و با بیانی ساده آغاز می‌شود، اما به تدریج که عمیق‌تر می‌شوم، در فرآیندهای روان‌پریشی در نمادپردازی و تفکر به جزئیات بیشتر می‌پردازم بحث پیچیده‌تر می‌شود. فصل ۶ و ۷ که درباره‌ی هنر است، و فصل ۸ که درباره‌ی خیال‌بافی، تحیل و باز است دوباره برای خواننده‌ی معمولی قابل فهم‌تر می‌شود، هرچند امیدوارم برای روان‌کاوان هم خالی از لطف نباشد.

این کتاب درباره‌ی تکنیک نیست، هرچند ذکر توضیحاتی درباره‌ی تکنیک اجتناب‌ناپذیر است. اما هنگامی که در متن «تفسیری» از رویاها ارائه می‌کنم این لزوماً همان تفسیری نیست که در آن زمان به بیمار گفته بودم. از رویا استفاده می‌کنم تا آن گروه از فرآیندهای روانی را که توصیف کرده‌ام و درکی که از آن‌ها دارم را روشن سازم. در برخی موارد همان تفسیری را که در جلسه‌ی روان‌کاوی داده شده ذکر می‌کنم، چرا که برخی فرآیندها را تنها می‌توان از طریق تعامل واقعی میان روان‌کاو و بیمار توضیح داد.